

در بهبود تهیه و توزیع

مواد غذایی در

کشورهای در حال توسعه

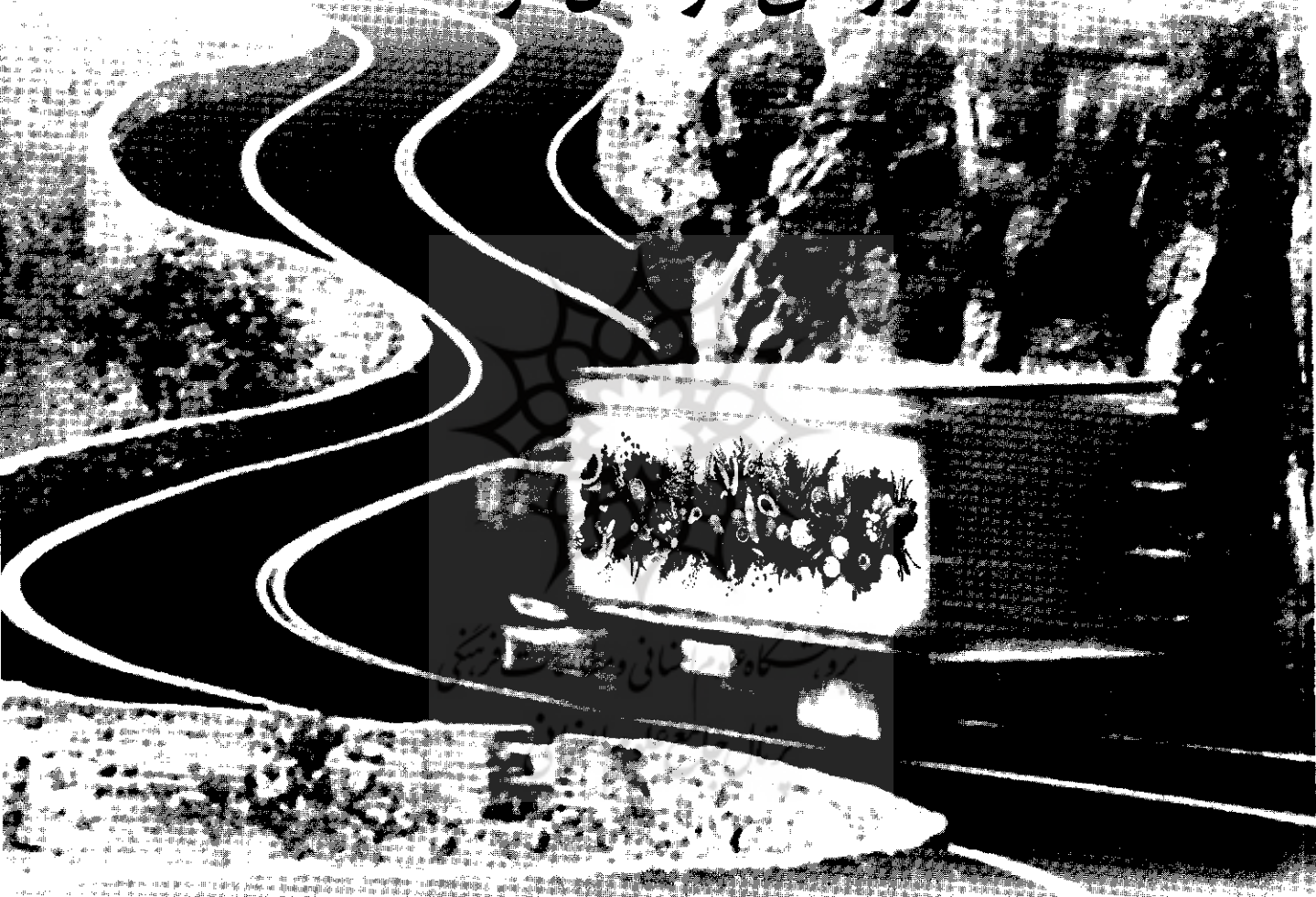
نویسندگان: مایکل هوبارد، گیدن انوما

ترجمه ی اسماعیل یوسفی

(کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس)

حامد قادرمزی

(دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی)



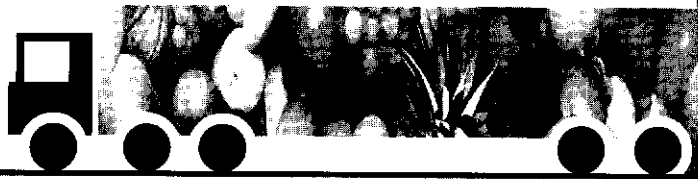
چکیده

این مقاله در موضوع چگونگی بهبود بخشیدن به تهیه و توزیع مواد غذایی در شهرهای در حال توسعه، به ویژه چگونگی سودرسانی به فقرا تنظیم شده است. بر شواهدی از گرایش فزاینده ی فقرا به شهرنشینی، کشمکش های دائمی بین تجار و مقامات شهر، بازارهای بد طراحی شده و کشاورزی شهری، تراکم در حال افزایش و جاده های نامناسب متکی است و راه هایی را برای بهبود تهیه و توزیع مواد غذایی شهری با استفاده از روش های مناسب پیشنهاد می کند. می دانیم که برای مسوولان شهر نقشی محوری تعیین شده

است که اجرای آن به توانایی هایی نیاز دارد و بسیاری از مسوولان شهرهای در حال توسعه، اکنون فاقد آن هستند. این توانایی ها شامل در پیش گرفتن سیاست های بین بخشی است. به علاوه، برای افزایش تجربه ی سودمند در برنامه ریزی و مدیریت شهری به منظور بهبود کیفیت مواد غذایی، دسترسی به آن ها و کاهش قیمت ها، انجام مطالعات نظری ضروری است.

کلیدواژه ها: مواد غذایی، توزیع، تجارت، شهرها، کشاورزی، شهری، برنامه ریزی.





۱. چرا مشکلات تهیه و توزیع مواد غذایی شهری در حال افزایش هستند؟

در بیش تر کشورها، شهرها خیلی سریع تر پیشرفت مدیریت و خط مشی های مربوط به مسائل تهیه و توزیع مواد غذایی که با رشد سریع همراهند و بیش ترین تأثیر را بر فقرا دارند، در حال رشد هستند. شواهد متعددی برای حمایت از اثبات این نظریه وجود دارند. در بسیاری از شهرها، جاده ها، مکان های بازاری، آب، فاضلاب و نیرو در مراکز شهری قرار گرفته اند و به ویژه این تسهیلات در سکونتگاه های غیررسمی فقرا که در حاشیه هستند، وجود ندارند. مقررات ناظر بر تجارت شهری اغلب به روز نیستند و تجارت غیررسمی را که بیش تر معاش شهری به آن وابسته است، محدود می کنند. تضاد و تضادم بین مسئولان شهر و تاجران، مسأله ای عادی است. وقتی که بازارهای جدید به طور نامناسب برنامه ریزی می شوند و کم تر مورد استفاده قرار می گیرند، بازارهای موجود اغلب متراکم تر و فاقد خدمات ضروری می شوند. در نتیجه، تهیه و توزیع مواد غذایی در بیش تر شهرها ناکارآمدتر از آن حدی است که باید باشد. برای این موضوع، چهار دلیل کلی وجود دارد که در ادامه تشریح می شوند:

۱-۱. شهرهای در حال توسعه با سرعت در حال رشد هستند و بسیاری از آن ها فقیرتر می شوند.

۱-۱-۱. جمعیت شهری، مخصوصاً در شهرهای بزرگ، به سرعت در حال افزایش است.

کشورهای در حال توسعه به مراتب کم تر از اقتصادهای پردرآمد، شهری می شوند. اما همان طور که در جدول ۱ دیده می شود، در سال های اخیر نرخ شهرنشینی در این کشورها نسبتاً بالاتر بوده است. رشد جمعیت شهری در آسیا، آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی حاشیه ی صحرا، بین ۳ تا ۴ درصد در سال است و از نسبت به نرخ رشد کلی این قاره ها که بین ۱/۵ تا ۲/۵ درصد نوسان دارد، خیلی بالاتر است. نیمی از این افزایش در شهرهای با جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر متمرکز شده است. جمعیت «داکا» در بنگلادش، با نرخ رشد سالانه ی ۵ درصد در حال افزایش است (هر روز ۱۳۰۰ نفر به جمعیت ۹ میلیونی آن اضافه می شود).

بین سال های ۱۹۹۱-۱۹۵۱ م،

جمعیت «بمبئی بزرگ» بیش از چهار برابر شد (از زیر ۳ میلیون نفر به ۱۲ میلیون نفر رسید). رشد سالانه ی جمعیت در شهر «کامپالا» (اوگاندا) ۵/۲ درصد است، در صورتی که رشد جمعیت «سانتیاگو» (در شیلی) با جمعیت ۵/۴ میلیون نفر، در سال ۱۹۹۱، ۸/۱ درصد بود. در این

شرایط، سازمان ملل برآورد می کند که در سال ۲۰۲۵، حدود ۶۱ درصد جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی خواهند کرد.

۱-۲. فقیران به طور فزاینده ای در نواحی شهری زندگی می کنند.

افزایش فقر شهری، شکلی از شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه است. بررسی فقر و سوء تغذیه در ۱۴ کشور (چین، بنگلادش، کلمبیا، نیجریه، اندونزی، هند، پاکستان، غنا، سنگال، زامبیا، برزیل، جمهوری دومینیکن، پرو، گواتمالا) درباره ی فقر و سوء تغذیه در ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته نشان داده است که در بیش تر موارد، تعداد مطلق افراد فقیر و با تغذیه ی نامناسب که در نواحی شهری زندگی می کنند، افزایش یافته، به طوری که سهمی از فقر و سوء تغذیه، مربوط به نواحی شهری است. انتظار می رود، در فاصله ی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، جمعیت روستایی جهان در حال توسعه به طور کلی ثابت بماند و جمعیت شهری دوبرابر شود. (جدول ۱)

تمرکز خانوارهای فقیر در زاغه های اطراف شهر، یکی دیگر از شکل های شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه است. در شهر «سبو» در فیلیپین، ۵۷ درصد جمعیت در زاغه هایی زندگی می کنند که تراکم جمعیت آن ها ۱۷ برابر تراکم کل شهر است. جمعیتی که در زاغه های «احمدآباد» زندگی می کنند، بین سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۹۷ از ۲۳ درصد به ۴۱ درصد رسیده است. شرایط اجتماعی اقتصادی در زاغه های این شهر از این قراز است: سطح بی سواد بالاست؛ دستمزد ۷۵ درصد افراد بالغ کم تر از حداقل دستمزد است؛ ۹۳ درصد خانواده ها فاقد توالت هستند؛ دو سوم جمعیت برای رسیدن به نزدیک ترین ایستگاه اتوبوس، مدرسه، اداره ی پست و درمانگاه، ۱ تا ۲ کیلومتر راه طی می کنند.

۱-۳. مهاجرت به شهرها، هزینه های بالای مواد غذایی را به فقیران تحمیل می کند.

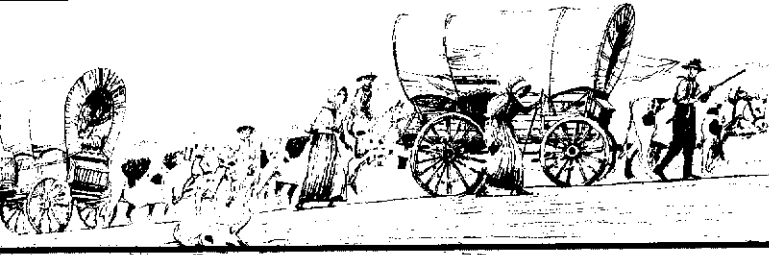
مهاجرت های اخیر فقیران روستایی به شهرها، دلیل مهمی در بالا رفتن فقر شهری است. این موضوع در مورد احمدآباد (هند) به روشنی

جدول ۱. جمعیت شهری (درصد از کل جمعیت)

| تفاوت | ۱۹۹۷ | ۱۹۸۰ | |
|-------|------|------|--------------------------------|
| +۳ | ۷۸ | ۷۵ | کشورهای پردرآمد |
| +۹ | ۷۴ | ۶۵ | آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب |
| +۱۱ | ۳۳ | ۲۱ | شرق آسیا و حوزه ی اقیانوس آرام |
| +۶ | ۲۷ | ۲۲ | جنوب آسیا |
| +۹ | ۳۲ | ۲۳ | کشورهای آفریقایی حاشیه ی صحرا |

منبع: بانک جهانی (۱۹۹۷)، گزارش توسعه ی جهانی





و توزیع مواد غذایی را به طور فزاینده‌ای به بخش خصوصی وابسته می‌سازد. اما بیش تر اوقات، شرایط نامناسب امکانات بازاری، جاده‌ها، قوانین، مالیات‌ها و حقوق دارایی، سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق نمی‌کند و بخش غیررسمی در بیش تر مواقع قانون را زیر پا می‌گذارد. مداخلات دلیخواهی دولت‌ها در تجارت، در همه‌ی سطوح مایوس‌کننده است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در پاسخ به آزادی بازار، تجارت خصوصی در بسیاری از کشورها افزایش یافت. به هر حال از طریق بهبود شرایط محیطی، پتانسیل بیش تری برای افزایش تجارت خصوصی وجود دارد.

۱-۴. مدیریت و سیاست شهری با مشکلات در حال افزایش تهیه و توزیع مواد غذایی همگام نشده است.

شواهد نشان می‌دهند که در بیش تر کشورها، شهرها خیلی سریع تر از توسعه‌ی مدیریت و سیاست حکومت‌های شهری، برای بررسی مشکلات تهیه و توزیع مواد غذایی که با رشد سریع همراه شد می‌کنند. عوامل متعددی، از همگامی سیاست و مدیریت شهری با مشکلات در حال رشد تهیه و توزیع مواد غذایی شهر جلوگیری می‌کنند. عوامل شامل این موارد هستند:

۱-۴-۱: فقدان مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری

بیش تر مسؤولان شهری، به مسائل تهیه و توزیع مواد غذایی اولویت کم تری می‌دهند و فاقد هرگونه سیاست غذایی هستند. در حالی که بر آموزش، مسکن، محیط زیست، اقدامات بهداشتی و کنترل ترافیک تأکید می‌کنند. بررسی مشکلات تهیه و توزیع مواد غذایی به نگرشی میان‌بر در میان عملکردهای واقعی مقامات شهر نیاز دارد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، هر کدام از این عملکردها به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر تهیه و توزیع مواد غذایی تأثیر می‌گذارند. با وجود بعضی استثنائات (مثل چین^۱)، ابتکارات سیاست‌های بین‌بخشی برای بسیاری از مسؤولان شهر، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، قلمروی ناآشنایی است.

۱-۴-۲: تصمیم‌گیرندگان ناآگاه

تصمیم‌گیرندگان اصلی، اغلب از شیوه‌های مناسب بهبود تهیه و توزیع مواد غذایی شهری آگاهی ندارند. بسیاری از آن‌ها، به دلیل وجود حجم زیاد پس‌مانده‌های مربوط به تجارت مواد غذایی و هجوم فروشنده‌گان به خیابان‌ها و پیاده‌روها، تاجران مواد غذایی را به عنوان آفت می‌شناسند. تصمیم‌گیری‌ها ممکن است توسط اعضای شورا یا از طریق ادارات مرکزی و براساس ملاحظات سیاسی اتخاذ شوند، نه براساس ملاحظات برنامه‌ریزی منطقی. بنابراین، تعجب‌آور

صادق است. وقتی که افراد فقیر به نواحی شهری مهاجرت می‌کنند، بسیاری از آن‌ها باید با افزایش دارایی خود، مواد غذایی بخرند. برآورد شده است که خانوارهای شهری ۳۰ درصد بیش تر از خانوارهای روستایی برای مواد غذایی هزینه می‌پردازند و فقیران شهری ۶۰ تا ۸۰ درصد درآمد خود را به تهیه‌ی مواد غذایی اختصاص می‌دهند. معمولاً در شهرها زمین برای کشاورزی وجود ندارد. برنامه‌ریزی، پیامدهای رقابت در تقاضا را که به کاهش کاربدهای اراضی تولید کشاورزی، تأمین معاش و باغداری تجاری منجر می‌شود، کنترل می‌کند.

۱-۴-۳: عملکرد ضعیف اقتصادی دلیل دیگری برای بالا رفتن فقر شهری است.

عملکرد ضعیف اقتصادی، افزایش بی‌کاری، و صدمات فقر شهری ناشی از سیاست‌های تعدیلی اقتصاد کلان (از جمله، برداشتن یارانه‌های کالاهای مصرفی)، به کاهش درآمدهای سرانه‌ی شهری انجامیده است. حتی در شهری نسبتاً مرفه مثل ژوهانسبورگ، درآمد سرانه‌ی شهری بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۷۰ بیش از ده درصد کاهش یافته است.

۱-۴-۴: شهرنشینی هزینه‌های توزیع مواد غذایی را افزایش می‌دهد و نیازهای شهر به مواد غذایی، به طور فزاینده‌ای پیچیده هستند.

شهرهای در حال توسعه با پراکنش و افزایش جمعیت خود، به طور فزاینده‌ای به منابع متفاوت مواد غذایی از جمله مواد غذایی وارداتی وابسته هستند. در نتیجه، بخش فزاینده‌ای از هزینه‌های مواد غذایی برای مصرف‌کننده‌ی شهری، (معمولاً بیش تر از نصف قیمت خرده‌فروشی) صرف هزینه‌ی حمل و نقل می‌شود. بنابراین، راندمان منافع در توزیع، نقش فزاینده‌ای را در افزایش هزینه‌ی مواد غذایی بازی می‌کند.

علاوه بر وجود هزینه‌ی کافی، تجارت شهری باید توانایی در بر گرفتن تنوع پیچیده‌ی احتیاجات غذایی در شهرهای در حال رشد را داشته باشد. تنوع وسیع رژیم‌های غذایی و روش‌های مقبول آشپزی در خانوارهای شهری، ویژگی جهانی جمعیت‌های شهری را نشان می‌دهد که از نظر نژاد، مذهب و زمینه‌ی درآمدی متفاوت هستند. جمعیت‌های بزرگ غیر ثابت اعم از کارگران غیر ساکن، دانشجویان، خریداران و توریست‌ها به تنوع احتیاجات غذایی در شهرها می‌افزایند. شیوه‌های زندگی شهری-کار کردن دوزوج، و فاصله‌های طولانی تر بین نواحی مسکونی و بازارهای مرکزی-نیاز به مواد غذایی راحت برای خوراک نیمروز، تعداد بیش تر خرده‌فروشان در کنار نواحی مسکونی و ساعات مناسب تر خرید را افزایش می‌دهد.

۱-۴-۵: محیط برای سرمایه‌گذاری خصوصی در زمینه‌ی تهیه و توزیع مواد غذایی شهری دلسردکننده است.

اصلاحات اخیر در زمینه‌ی فروش محصولات کشاورزی، تهیه



محدود می‌کند. مورد مناسب در این باره، ناحیه‌ی کلان شهری «کلکته» با ۱۳ میلیون نفر جمعیت و ۱۷۰ قلمرو محلی است.

بعضی از شهرداری‌ها، از جمله در «پولاوایو» در زیمبابوه و «هر موسیلو» در مکزیک، مرزبندی‌های کافی برای پوشش دادن به کلیه‌ی سکونتگاه‌های شهری و ناحیه‌ی بالقوه برای توسعه را دارا هستند. مرزهای شهرداری‌های دیگر در طول زمان توسعه یافته‌اند.

برای مثال، توسعه‌ی مرزهای احمدآباد هند، محدوده‌ی شهرداری را هر ۲۵ سال تقریباً دو برابر کرده است. به هر حال، توسعه‌ی مرزها تنها بعد از توسعه‌ی نواحی جدید اتفاق می‌افتد و باعث محدود شدن توانایی مقامات شهری برای طرح توسعه و حمایت از تهیه‌ی زیرساخت‌های مناسب می‌شود.

۲. مشکلات عمده‌ی تهیه و توزیع مواد غذایی شهری و کارهایی که می‌توان انجام داد.

مطالعه‌ی بازارهای مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده‌ی تجارت فعال مواد غذایی بین شهرهاست. این قبیل مطالعات، تغییرات قیمت مواد غذایی را در شهرهای گوناگون مقایسه می‌کنند و براساس یافته‌های آن‌ها، قیمت‌ها در مدتی یکسان در مسیر یکساختنی تغییر می‌کنند. با وجود این، تنوع موانع موجود در فروش مواد غذایی در شهرهای در حال توسعه نشان می‌دهد که در بیش‌تر مواقع، امکان افزایش کارایی در تولید، جمع‌آوری (یعنی خرید عمده‌ی محصول از کشاورزان)، حمل و نقل، ذخیره‌سازی، عمل‌آوری و فروش محصول وجود دارد. کارایی منافع باید نوسان فصلی قیمت را کاهش دهد، قیمت‌ها را برای تولیدکنندگان بالا ببرد و برای مصرف‌کنندگان کاهش دهد.

۲-۱. تولید: پتانسیل کشاورزی شهری

کشاورزی شهری تنها به تهیه‌ی بخش کوچکی از مواد غذایی در سطح ملی کمک می‌کند. اما این مسأله در نواحی شهری، به خصوص برای فقیران مهم است. مقدار زیادی از تولید مواد غذایی برای مصرف‌کنندگان شهری در داخل شهرها یا محدوده‌ی آن‌ها (در این‌جا کشاورزی شهری و حومه‌ی شهری به اختصار، کشاورزی شهری بیان می‌شود) انجام می‌شود و به شدت از سیاست‌های شهری تأثیر می‌پذیرد. کشاورزی شهری عبارت است از:

- منبع درآمدی برای فقیران شهری؛

- منبع پرورش طیور، سبزیجات، لبنیات برای ساکنان شهری؛

- تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی (از جهت کوددهی) زائدات آلی گیاهی و حیوانی.

غالباً، سیاستگذاران شهری به استفاده از فضای شهری برای کشاورزی از جنبه‌ی منفی نگاه می‌کنند و توجه چندانی به آن ندارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که کشت شهری بیش‌تر از بهره‌اش، ضایعات

تپست که کوشش‌های مسؤولان شهر برای مدرنیزه کردن سیستم‌های بازار مواد غذایی شهری، باعث مخالفت‌هایی می‌شوند و اغلب انتظارات را برآورده نمی‌کنند. موارد جدید در این مورد عبارتند از: ساخت بازار عمده‌فروشی در کشور ساحل عاج و انتقال فروشندگان به بازارهای جدیدالاحداث در «آکرا» (غنا) که باعث به وجود آمدن مخالفت‌ها و تحریم بازار شد. این طرح‌ها هر دو در طول فرایند برنامه‌ریزی، به مشورت نزدیک‌تری با فروشندگان نیاز داشتند.

۳-۱. تقسیم مسؤلیت

مسؤلیت تهیه‌ی زیرساخت‌ها برای تهیه و توزیع‌کنندگان مواد غذایی (از جمله آب، سرویس بهداشتی، پارکینگ و اطلاعات)، اغلب بین تعدادی از آژانس‌های عمومی و نیمه‌عمومی تقسیم می‌شود که در سطوح متفاوت حکومتی کنترل می‌شوند. اغلب عملکردها در سطح شهر، نکات مشترکی دارند. بعضی از کارگزاری‌های فنی، به عنوان شعبه‌های غیرمتمرکز وزارتخانه‌ها و به عنوان حوزه‌های مراجع شهری، دارای حالت دوگانه‌ای با مسؤلیت‌های دوگانه هستند. سیاست هماهنگی و پاسخگویی در بیش‌تر مواقع ضعیف است و وظیفه‌های وابسته به هم از نظر بودجه و چارچوب برنامه‌ریزی، یکپارچه نیستند. (جدول ۲)

۴-۱. مدیران ضعیف شهری

بسیاری از مدیران شهری در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم توانایی و نداشتن منابع قانونی، از انجام عملکردهای قانونی بازداشته می‌شوند. آن‌ها برای کسب اختیار قانونی به منظور افزایش درآمد، به دست آوردن زمین و کنترل توسعه، به دولت مرکزی وابسته‌اند. منابع درآمدی در طول برنامه‌های تعدیلی ساختاری، بر اثر بودجه‌بندی‌های محکم دولت مرکزی کاهش یافته‌اند. بسیاری از کشورها کوشش کرده‌اند، مشکلات تقسیم‌بندی عملکردی را از طریق واگذاری اختیارات قانونی کلیه‌ی وظایف شهری به یک مرجع واحد، به حداقل برسانند.

مثال‌هایی از این موارد عبارتند از: مقامات کلان‌شهری در انگلستان و برخی شهرداری‌ها در جنوب آفریقا و زیمبابوه. اما اگر مقامات شهر فاقد منابع مالی و قدرت باشند، ممکن است ترکیب عملکردها به ندرت صورت بگیرد.

۵-۱. تقسیم‌بندی جغرافیایی اختیارات شهر

تأثیر تاریخ و امور سیاسی بر تعیین حدود مرزهای حکومت محلی باعث شده است، قلمروی کلیه‌ی شهرها به تعدادی قلمروی محلی تقسیم می‌شود که از نظر اندازه و وضع حقوقی تفاوت دارند. این تقسیم‌بندی جغرافیایی، صلاحیت مسؤولان شهر را برای تنظیم توسعه‌ی فیزیکی سکونتگاه‌های شهری و حمایت از تهیه‌ی زیرساخت‌ها و خدمات اساسی



جدول ۲: عملکردهای واقعی مسؤولان شهر و تأثیرات آن بر تهیه و توزیع مواد غذایی در شهر

| تأثیر بر تهیه و توزیع مواد غذایی | کارکرد |
|---|--|
| مستقیم | تهیه خدمات: برنامه ریزی، ساخت و مدیریت بازارهای شهری نگهداری و به روز کردن روستاها ساخت های عمومی از جمله آب، فاضلات، رهکشی و روشنایی |
| مستقیم و غیر مستقیم | دفع ضایعات جامد |
| مستقیم و غیر مستقیم | آموزش در سطوح شعاعی، ابتدایی و کودکان |
| مستقیم (جایی که آموزش ویژه ای به فروشندگان داده می شود) | وضع مالیات های شهری و زودبیه های بازار |
| مستقیم | خدمات رفاهی و اجتماعی برای فقیران، سالمندان، معلولین و کودکان |
| غیر مستقیم | مقررات: |
| مستقیم | مقررات مربوط به مصرف و ساخت اراضی عمومی |
| مستقیم | مجوز دادن و کنترل فعالیت های بازرگانی و صنعتی از جمله: فعالیت های تجار مواد غذایی |
| مستقیم | حمایت از مصرف کنندگان از طریق اجرای استانداردهای کیفیت مواد غذایی و بهداشت محل فروش، شامل بازرسی محل های فروش مواد غذایی و دستوران ها |
| مستقیم | مدیریت ترافیک شامل پارکینگ، علامت راهنمایی، خطوط حرکت و محدودیت های حرکت و وسایل نقلیه |
| مستقیم | اعمال استانداردهای بهداشت عمومی |
| مستقیم | کنترل آلودگی شامل مقررات مربوط به خروج ضایعات صنعتی و وسایل نقلیه و کنترل صدا |
| مستقیم | برنامه ریزی و هماهنگی |
| مستقیم (برای زیرساخت های بازاری و کشاورزی شهری) | تهیه طرح های جامع قابل اجرا که بر مصرف و کاربری مجاز اراضی در شهرها ناظر باشند |
| مستقیم | یکپارچه سازی هزینه های سرمایه ی بخش خصوصی و وارد کردن سرمایه گذاری خصوصی در بودجه در نظر گرفته شده برای توسعه شهرها (برای مثال، برنامه ی سرمایه گذاری یکپارچه برای زیرساخت های شهری اندونزی) |
| غیر مستقیم (با توجه به تجار غیر رسمی و کشاورزی شهری) | توسعه اقتصادی و طرح های اشتغال زا (انجام شده به وسیله مقامات منطقه ای و محلی در اروپای غربی) |

منبع: خلاصه شده از: Davey, 1996.

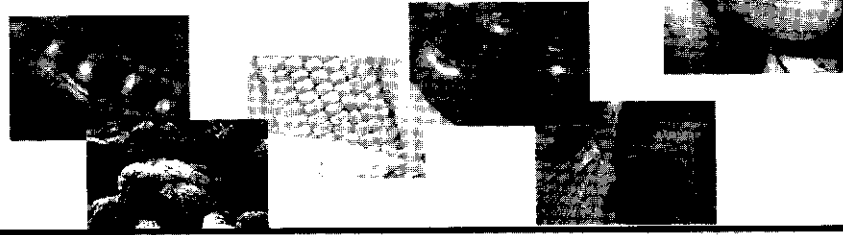
کشاورزی شهری درست مدیریت شده، منافع زیر را داراست:

- عرضه ی مداوم مواد غذایی به ساکنان شهری، به خصوص فقیران؛
- مدیریت سودمند (مولد) فضای باز؛
- مدیریت محیطی مؤثر از طریق استفاده ی سودمند از زائادات آلی به عنوان کود کشاورزی.

تصمیمات مسؤولان شهر درباره ی دفع زائادات جامع و مایع می تواند تأثیر زیادی بر کشاورزی شهری داشته باشد. برای مثال، مسؤولان شهر «هوبلی دارواد» در هند، زائادات آلی جامدی را که قبلاً ذخیره کرده بودند، جمع آوری کردند و از طریق مزایده در اختیار

ایجاد می کند و زمینی را که باید برای مسکن استفاده شود، اشغال می کند. در بعضی از کشورها مثل پاکستان، کشاورزی شهری پرورش دهنده ی دام های روستایی منع می شود، اما در بسیاری از کشورها، وسعت کشاورزی شهری و حومه ی شهری خیلی بزرگ تر از آن اندازه ای است که رسماً شناخته شده و در حال افزایش است. برای مثال، مقدار زمین کشت شده در «هزاره» (پایتخت زیمبابوه) بین سال های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ چهار برابر شده است. حتی در ایالات متحده آمریکا وسعت کشاورزی شهری بیش تر از آن است که تصور می شود. مطالعات اخیر نشان می دهند که در فیلادلفیا، ۲۵-۲۰ درصد اقتصاد منطقه ای به کشاورزی اختصاص دارد.





نکرد و وجود جوخه‌هایی برای از بین بردن کشت و کارهای غیرقانونی شهری گزارش شده است. کشاورزان شهری معمولاً از خانواده‌های فقیر هستند. تعدادی از تعاونی‌های زنان نیز با این مشکل روبه‌رو هستند. این کشاورزان غیرقانونی، مشکلات تقاضا برای دسترسی قانونی به قطعه زمین‌های قانونی را در نظر می‌گیرند.

تجربیات بریتانیا و زیمبابوه نشان می‌دهند، کشاورزی شهری می‌تواند به تهیه مواد غذایی شهری کمک کند و به صورت صحیح تنظیم شود. امکان به دست آوردن، تعیین حدود کردن و ایجاد باغ در شهرها برای فقیران شهری، بدون کاهش مؤثر مساحت زمین برای سایر فعالیت‌ها (از جمله مسکن)، برای مقامات شهری وجود دارد؛ استفاده از این زمین‌ها به وسیله خانواده‌های فقیر، به خصوص هنگامی که بی‌کاری، فقر و ناپایداری تهیه مواد غذایی و قیمت آن، امنیت غذایی خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد، باید به شکل متمرکز صورت گیرد. قوانین و روش‌های دسترسی به زمین باید ساده باشند و اختیار تصرف و مدیریت آن‌ها می‌تواند در انحصار شهرداری باقی بماند. به علاوه، اجاره‌های مربوط به کشت سودمند می‌توانند جایگزین اجاره‌های کاذب شوند.

با وجود این که بیش‌تر مقامات شهری از کشاورزی شهری غافل هستند، ابتکارات ترویجی متعددی در این زمینه وجود دارند که عبارتند از:

- انعطاف پذیری در منطقه‌بندی زمین (برای مثال، اوگاندا)
- اجاره‌داری قطعه زمین‌های شهری (برای مثال، آرژانتین)
- کشاورزی شهری برای برنامه‌های آموزشی (برای مثال، کاستاریکا)
- کمک اعتباری و فنی به گروه‌هایی از کشاورزان شهری (برای مثال، نیجریه)
- تهیه و تدارک قطعه زمین‌هایی در شهر برای استفاده در مواقع بحرانی (برای مثال، هاوانا، کوبا)
- وارد کردن کشاورزی شهری در پروژه‌های توسعه‌ی شهری (برای مثال، شهر «بلم» در برزیل و «پکن» در چین، جاهایی هستند که مقامات شهر، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در پروژه‌های کشاورزی حومه‌ی شهری جذب کرده‌اند.)
- برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری، پتانسیل لازم را برای گنجاندن کشاورزی شهری در طرح‌های توسعه‌ی حومه‌های کم‌تراکم‌تر خود، در چرخه‌ی زائادات آلی شهری و در یکپارچگی بازارهای رسمی و غیررسمی را دارد.

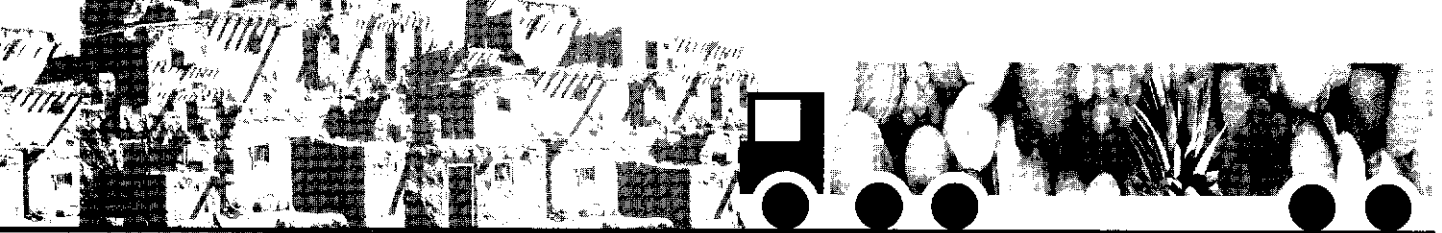
۲-۲. ظرفیت توزیع بهتر مواد غذایی شهری

شبکه‌ی توزیع مواد غذایی شهری، عمده‌فروشان، خرده‌فروشان و تهیه‌کنندگان مواد غذایی آماده را در بر می‌گیرد. آن‌گاه از نظر اندازه،

کشاورزان قرار دادند. آلودگی فزاینده به وسیله پلاستیک‌ها، هزینه جداسازی زائادات آلی را بالا برده است. اکنون مقامات شهر قصد دارند، زائادات آلی را به صاحبان کارخانه‌های خصوصی - که با استفاده از این زائادات، کود گیاهی حاصلخیزتر ولی خیلی گران‌تر تولید خواهند کرد - بفروشند. کشاورزان کم‌مایه‌ترین شهر، می‌ترسند نتوانند کود گیاهی جدید را تهیه کنند. آن‌ها تقاضا دارند که متافعشان در نظر گرفته شود و بخشی از زائادات شهری به استفاده‌ی آنان اختصاص یابد. تولیدکنندگان مواد غذایی شهری با مشکلاتی مانند تأمین آب، دفع فاضلاب و چراگاه رایگان برای دام‌های روستایی مواجه هستند، اما مشکل اصلی آن‌ها دسترسی به زمین، به خصوص برای ساکنان کم‌درآمد در حومه‌های پرتراکم فقیرنشین است. کاهش فضا برای کشاورزی شهری، نه تنها از نظر تراکم فزاینده جمعیت شهری، بلکه از نظر تغییر مقررات برنامه‌ریزی (که گاهی اوقات در اثر پافشاری وقف‌کنندگان، به عنوان شرطی برای اعتبارات توسعه‌ی مسکن و زیرساخت‌ها انجام می‌شود) نیز قابل توجه و استناد است. بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه، زمین زیادی تحت مالکیت عمومی دارند که با عدم کارایی کاربری زمین همراه است. این عدم کارایی نشان می‌دهد که زمین برای کشاورزان شهری، بدون کاهش آن برای نیازهای فوری و جدید مسکن و زیرساخت‌ها، به صورت بالقوه‌ای موجود است.

مشکلات دسترسی به زمین باعث تشویق استفاده‌ی غیرمجاز از فضاهای باز، از جمله کناره‌ی جاده‌ها و مکان‌های عمومی و خصوصی توسعه نیافته می‌شود. در «هراره» در زیمبابوه، مشخص شد که ۹۳ درصد کشاورزان شهری در حومه‌های فقیرنشین پرتراکم، قطعه زمین‌هایی را به صورت غیرقانونی تصرف می‌کنند. در حومه‌های کم‌تراکم، کاربری غیرقانونی زمین تنها ۲۴ درصد کشاورزان را در بر می‌گیرد. همان‌طور که مورد زیمبابوه نشان می‌دهد، مطرح کردن مسأله‌ی دسترسی به زمین از نظر موفقیت در ترویج برنامه‌ریزی شده‌ی توسعه‌ی کشاورزی شهری، یک مسأله‌ی حیاتی است. سیاست کشاورزی شهری قبل از استقلال در زیمبابوه بر پایه‌ی مدل انگلیسی تقسیم باغ‌ها که از جنگ جهانی اول برای به حداقل رساندن کمبودهای مواد غذایی در اقتصاد جنگ شروع شده بود، قرار گرفته است.

مقامات محلی در بریتانیا، از طریق قدرت، زمین‌های توسعه نیافته را مصادره و تقسیم می‌کنند و با کوشش فراوان، کشت و کار روی این زمین‌ها را تشویق می‌کنند. در حالت مشابه، مدیریت قبل از استقلال در زیمبابوه باعث تشویق کشت و کار روی قطعه زمین‌های شهری، به ویژه به وسیله کارگران مهاجر، به عنوان وسیله‌ای برای تکمیل درآمد آن‌ها شد. برای به حداقل رساندن اثرات زیست محیطی آن، زمین دقیقاً به این منظور مرزبندی شد و مقرراتی برای کنترل کشاورزی شهری در نواحی شهری وضع گردید. به هر حال، شهرداری هراره در زیمبابوه بعد از استقلال، از تولیدکنندگان مواد غذایی شهری به خوبی استقبال



مالکیت (مالکان شخصی، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های صنفی)، سنتی یا مدرن بودن و وظایفی که بر عهده می‌گیرند، متفاوت هستند. فعالیت‌ها، ویژگی‌ها و مشکلات این عوامل توزیع، در ادامه شرح داده می‌شود. فرض بر این است که ظرفیت توزیع بهتری وجود دارد و مسؤولان شهر می‌توانند، به فراهم کردن آن کمک کنند.

۱-۲-۲. عمده‌فروشان مواد غذایی: حلقه‌ای ضعیف در زنجیره‌ی بازاریابی

عمده‌فروشی، شامل «عمده‌فروشان اولیه» یا جمع‌آوری‌کنندگان و «عمده‌فروشان ثانویه» که به صورت عمده به خرده‌فروشان می‌فروشند - می‌شود. عمده‌فروشان اولیه‌ی مسؤول جمع‌آوری محصول از تولیدکنندگان روستایی، شدیداً متفرق هستند. آن‌ها بیش‌تر از طریق شبکه‌ای از عمده‌فروشان ثانویه و خرده‌فروشان در شهرها کار می‌کنند؛ هرچند که بعضی از آن‌ها مستقیماً به خرده‌فروشی می‌پردازند. در کشورهای در حال توسعه، آن‌ها اغلب فروشندگان کوچک و سیاری هستند که در خرید و فروش و یا حمل و نقل محصول خاصی از مناطق تولیدی به خصوص، تخصص پیدا می‌کنند. مشکلات اصلی آن‌ها عبارتند از: دسترسی محدود به اعتبارات رسمی اما اغلب نیازمند ارائه‌ی اعتبارات تجاری به تولیدکنندگان، هزینه‌های سنگین حمل و نقل تحمیل شده به وسیله‌ی جاده‌های نامناسب، و فقدان فضای انبار کالا و تسهیلات جابه‌جایی محصول در بازارهای شهری و بنابراین تأخیر در خالی کردن محصول و افزایش کرایه کامیون‌ها. این فروشندگان همچنین مالیات‌های وضع شده به وسیله‌ی مقامات محلی در طول جاده‌ها را متحمل می‌شوند و اغلب با جریمه‌هایی از طرف پلیس و سایر کارگزاران امنیتی روبرو هستند که عبارتند از: دیرکردهای سنگین و پرداخت رشوه در پست‌های بازرسی رسمی و غیررسمی.

عمده‌فروشی ثانویه‌ی مواد غذایی اساسی خانگی در کشورهای کم‌درآمد میل اندکی به توسعه دارد. عمده‌فروشی مدرن و سایر تسهیلات ذخیره‌سازی، بازرگاری و خرده‌فروشی، عمدتاً برای خرید و فروش محصولات وارداتی و صنعتی، بیش از مواد غذایی اساسی خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بسیاری از شهرها، بازارهای عمده‌فروشی فاقد فضای کافی برای انبار، دفع اساسی زباله، آب و تسهیلات بهداشتی برای کالاها هستند. برای نمونه، «لاهور» (پاکستان) فاقد هرگونه بازار عمده‌فروشی برای غله است. بسط و توسعه‌ی بازارهای عمده‌فروشی در شهرهای آسیا و آمریکای لاتین، اغلب کندتر از رشد جمعیت و جریان کالا صورت می‌گیرد. فقدان فضا که عمدتاً ناشی از مکانیابی بازارها در مراکز شهری - جایی که آن‌ها از نظر تاریخی در آن‌جا مکانیابی شده‌اند - است، از توسعه‌ی تسهیلات و امکانات جلوگیری می‌کند.

در آفریقا، بازارهای عمده‌فروشی معمولاً خودجوش هستند و در شهرهای بسیاری پراکنده شده‌اند. آن‌ها اغلب فاقد تسهیلات اساسی انبار، خرید و فروش، ذخیره‌سازی، امنیت و بهداشت هستند و به موجب آن، هزینه‌های خرده‌فروشان در انبارسازی کالاها افزایش می‌یابد. تجارت خرده و عمده و جابه‌جایی حجم معتنابهی از محصول در جاده‌های نزدیک بازارهای خرده‌فروشی، عملی عادی برای تاجران این بازارها محسوب می‌شود. بازارهای عمده‌فروشی «تی آروی گیر» و «سیندی کت» (برای میوه و سبزیجات) در داکار سنگال به صورت خودجوش توسعه یافته‌اند و سالانه حدود ۴۰۰ هزار تن مواد غذایی در این بازارها خرید و فروش می‌شود که بیش‌تر آن‌ها در جاده‌های اطراف بازار خرده‌فروشی صورت می‌گیرد. مشابه چنین وضعیتی در سایر شهرهای پایتختی غرب آفریقا، مثل «آبیجان»، «لاگوس» و «آکرا» وجود دارد.

وجود چنین بازارهایی باعث سردرگمی مقامات شهری می‌شود. مشکلات تراکم، پارکینگ، امنیت و فاضلاب در بازارهای خودجوش شهر، دلالت بر وجود نیاز به بازارهای رسمی و پشرفته دارد. نیاز مشابهی به دلیل وجود بازارهای پرازدحام مرکز شهر احساس می‌شود، اما در بیش‌تر موارد ساخت بازارهای جدید نمی‌تواند حمایت فروشندگان و مصرف‌کنندگان را جلب کند. این مشکل تا اندازه‌ای ناشی از آن است که انتقال تجارت به بازارهای جدید، به ناچار خطر از دست دادن مشتریان در مکان فعلی و تردید در وجود مشتری در بازار جدید را برای بازرگانان ایجاد می‌کند. به علاوه، بازارهای جدید معمولاً عوارضی را برای استفاده‌کنندگان دارند؛ یعنی باید هزینه‌ی خدمات بازار را پرداخت کنند، در صورتی که تجار در بازارهای غیررسمی هیچ هزینه‌ای نمی‌پردازند.

به نظر می‌رسد که مشورت نکردن با فروشندگان در طول برنامه‌ریزی، دلیل اصلی تمایل نداشتن فروشندگان به استفاده از بازارهای جدید است. برای مثال، در بوئنس آیرس مکانیابی یک بازار جدید عمده‌فروشی برای میوه و سبزیجات که دورتر از مرکز شهر قرار داشت، باعث افزایش هزینه‌های دسترسی خرده‌فروشان به بازار جدید و در نتیجه ضعف حمایت از آن شد. عوارض مقرر در بازار جدید عمده‌فروشی «بوآک» در ساحل عاج که بدون مشورت کافی با تاجران وضع شده بود، مورد پسند فروشندگان قرار نگرفت.

توسعه‌ی ضعیف عمده‌فروشی در شهرهای بسیاری از کشورهای کم‌درآمد:

- باعث از بین رفتن واسطه‌های سهام‌دار محصول، بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌شود.
- به تغییرپذیری بیش‌تر قیمت کالاها و عمده و تهیه‌ی آن‌ها، به خصوص محصولات غذایی فاسدشدنی کمک می‌کند.
- بار مدیریتی بعد از برداشت محصول (از جمله ذخیره‌سازی و عمل‌آوری واسطه‌ای) را به کشاورزان و عمل‌آوردگان کوچک

غیرمجهز که در معرض خسارات اساسی قرار دارند، انتقال می‌دهد. باعث دلسردی در ایجاد اوزان، آحاد و درجات استاندارد که تجارت غیرشخصی کارآمد را در فاصله‌ی زیاد تسهیل می‌کند، می‌شود. هزینه‌های تجاری را افزایش می‌دهد؛ چون همه‌ی کالاها را خریداری شده باید از نظر مادی ارزیابی شوند. مشکلات نقدینگی تجار و کشاورزان را افزایش می‌دهد؛ به خاطر این که مانع استفاده‌ی بالقوه از محصول ذخیره شده به عنوان وثیقه‌ای برای وام‌ها می‌شود.

این موارد هزینه‌های سرمایه‌گذاری تجاری را به شدت افزایش می‌دهند. اعتبار عرضه شده در برابر دارایی‌های منقول، از جمله محصول ذخیره شده، یک مسأله‌ی حیاتی برای توسعه‌ی تجارت است. بنابراین، عمده‌فروشی پیشرفته باید سود کافی برای فروش مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه را داشته باشد. اما خطری که برای مقامات شهر وجود دارد، این است که باید ساخت بازارهای جدید را که لزوماً باعث بهبود عمده‌فروشی خواهد شد، تقبل کنند. درجه‌بندی منضبط تنها هنگامی رخ می‌دهد که کیفیت تقاضاهای مصرف‌کننده‌ی نهایی و توسعه‌ی اعتبار موجود، به حقوق روشن دارایی‌ها برای محصول ذخیره شده نیاز داشته باشد. گرچه مراحل توسعه‌ی بازارهای عمده‌فروشی تعیین شده‌اند^۲، اما نباید تصور شود که توسعه‌ی بازارها در کلیه‌ی کشورهای روند مشابهی را دنبال خواهد کرد. برای مثال، امروزه در شهرهای کشورهای در حال توسعه، سوپرمارکت‌های مدرن که کم‌ترین خدمات را با درآمد بالا ارائه می‌کنند، در کنار بازارهای توسعه نیافته مواد غذایی که بیش‌ترین خدمات را ارائه می‌کنند، قرار دارند.

اولین درس برای مسئولان شهری مشتاق به بهبود بازارها این است که در برنامه‌ریزی بهبود بازار، به ترویج همکاری نزدیک با تاجران، خرده‌فروشان و مصرف‌کنندگان اقدام کنند. مصاحبه با استفاده‌کنندگان از بازار نشان می‌دهد که آن‌ها خواهان این پیشرفت‌ها در بازارها هستند:

- مدیریت پاسخگو و کارآمد بازارها؛

- بازارهایی که عرضه‌کننده‌ی فضای کافی برای مغازه‌ها، حمایت از آثار طبیعی، امنیت برای اشخاص و دارایی‌ها، و روشنایی و سیستم‌های الکتریکی مناسب باشند؛

- محیط خشک و تمیز برای تجارت، تسهیلات دفع زباله، امکانات سرویس بهداشتی تمیز و آبرسانی مناسب؛

- امکانات ذخیره‌سازی در داخل بازار، از جمله سردخانه برای گوشت فروشان و ماهی‌فروشان، امکانات بارگیری و تخلیه بار، مکان‌های پاکیزه برای غذاخوری و تسهیلات خواب شبانه (مخصوصاً برای حمل و نقل کنندگان)؛

- امکانات مراقبت از کودکان در طول روز، کمک‌های اولیه،

پست، تلفن و فاکس؛

- دسترسی به تسهیلات بانکی و اطلاعات و اعتبارات بازاری؛
- روش‌های اسنادی ساده شده و نیازمندی‌ها.

تجربه‌ی برنامه‌ریزی غلط بازارها نشان می‌دهد که هزینه‌های این خدمات مقطوع است. در نتیجه، اگر عوارض بازار خیلی بالا باشد، خرید و فروش به سادگی به طرف خیابان‌ها معطوف می‌شود. بنابراین، اصلاح بازار با توجه به پرداخت عوارض، یک موضوع حیاتی است. هر جا که تجارت در مراحل اولیه‌ی توسعه باشد و درآمدها در سطح پائینی قرار داشته باشند، طرح‌ها باید ساده شوند و حق انتخاب ارزان‌تری را برای استفاده‌کنندگان جست‌وجو کنند.

درس دوم این است که به منظور جلوگیری از ایجاد وسایل دست و پاگیر و گران، بدون تعصب مناسب‌ترین شکل بهبود را در پیش بگیرند. برای مثال، بازارهای دوره‌ای (بازارهای روز) که همه‌نوع کالا و خدمات در آن‌ها فروخته می‌شود، با امکانات پستی و بهداشتی سیار، با موفقیت زیادی در «کورتیا» (برزیل) مهیا شده است.

۲-۲-۲. خرده‌فروشان

بسیاری از شهرها در کشورهای در حال توسعه، اخیراً افزایش اغراق‌آمیزی را در خرده‌فروشی بخش غیررسمی تجربه کرده‌اند. بعضی از مشکلات واقعی در بخش غیررسمی خرده‌فروشی مواد غذایی عبارتند از:

● ایجاد بازارهای خرده‌فروشی جدید یا توسعه‌ی بازارهای قدیمی معمولاً با افزایش سریع تعداد خرده‌فروشان شهری هم‌گام نیست. این امر فشار زیادی را بر امکانات موجود وارد می‌کند و فروشندهان را به طرف خیابان‌ها و پیاده‌روها می‌کشاند.

● بسیاری از زاغه‌نشینان مشکلات قابل ملاحظه‌ای برای دسترسی به بازارهای اصلی خرده‌فروشی دارند (برای مثال، اکثر زاغه‌نشینان در بعضی از شهرهای آمریکای لاتین نمی‌توانند به بازارهای اصلی دسترسی داشته باشند).

● بازارهای غیرمجاز خودجوش که فاقد تسهیلات اساسی هستند، رایج‌ترین شکل بازار مخصوصاً در نواحی حومه‌ای هستند.

● مدیریت محیط و ترافیک در بازارهای خودجوش خیلی مشکل‌تر است و امکان ارائه‌ی خدمات به وسیله‌ی مسئولان شهر کاهش می‌یابد (چون بسیاری از فروشندهان متحرک و نامنظم هستند). در نتیجه، مصرف‌کنندگان و تاجران، مخصوصاً بچه‌های فروشنده، به دلیل فقدان تسهیلات اساسی ایمنی و بهداشتی، در معرض خطرات تندرستی و ایمنی قرار می‌گیرند.

● تنش‌هایی که گاه‌ریشه در اختلافات آشکار دارند، روابط بین مقامات شهر و تاجران را به ویژه به دنبال کوشش‌های مقامات شهر برای انتقال



مثلاً استفاده از روغن آشپزی تمیز و آب پاکیزه به جای کنترل آنچه که نمی تواند کنترل شود.

۳. نقش حکومت های شهری در بهبود بخشیدن به روند تهیه و تجارت مواد غذایی شهری

مسئولان شهری در شهرهای در حال رشد کشورهای در حال توسعه، برای پیش قدم شدن در توسعه و تعقیب سیاست های کاهش فقر، با مشکلی مواجه هستند که می توان آن را چنین بیان داشت: «میان بر زدن به مرزهای بخشی سنتی.»

۱- ۳. چرا مسئولان شهر باید پیش قدم شوند؟

زیرا:

● شهرهای در حال رشد، به طور فزاینده ای دارای سهم زیادی از جمعیت هستند.

● مسئولان شهر ملزم به تحمل هزینه های عملکرد ضعیف تهیه و توزیع مواد غذایی، از جمله تراکم افزایش یافته، هدایت فاضلاب و گدایی هستند.

● عملکرد اصلی مسئولان شهر، بهبود زیرساخت های فیزیکی و قانونی در شهرهاست.

● در اغلب موارد، نقش اضافی نمایندگی های دولت مرکزی در بازاریابی مواد غذایی، وضوح کافی ندارد.

● در اغلب موارد، دولت (در همه ی سطوح) برای تسهیل تجارت خصوصی دچار تردید سیاسی می شود.

● قطع کمک های ویژه ی دولت مرکزی، بودجه های سرمایه گذاری را کاهش می دهد. در این زمینه، یافتن سایر منابع سرمایه گذاری برای جایگزینی و بهبود زیرساخت های شهری ضروری است. بسیاری از شهرها به سرمایه گذاری مشارکتی با شرکت های خصوصی می پردازند تا زیرساخت های شهری مخصوصاً نیرو، آب و بزرگراه را بهبود ببخشند.

۲- ۳. اجرای یک سیاست بین بخشی ابتکاری در حوزه های شهری مورد نیاز است.

با بزرگ تر شدن شهرها، تنوع نژادی بیش تر و افزایش جمعیت فقیران، اهمیت ابداع سیاست بین بخشی از طرف حکومت های شهری برای رسیدن به هدف هایی در حوزه هایی چون تهیه و توزیع مواد غذایی، و تأمین بهداشت عمومی و محیط بیش تر می شود. سیاست های بین بخشی باعث تمرکز توجه روی مسأله، مشورت با سهامداران مخصوصاً در مورد کارهایی که می توان انجام داد، بررسی وظایف بخشی، بررسی اثرات مقررات موجود، مخارج و کمک های مالی، تنظیم و تبلیغ هدف ها و نمایش روند کار می شود.

موانعی که بر سر راه ابتکارات سیاست بین بخشی در مورد تهیه و توزیع مواد غذایی وجود دارد، عبارتند از: ناآشنایی با تهیه و توزیع

آن ها به بازارهای جدید، تیره می کنند (مثلاً در «کاتماندو» در سال ۱۹۹۸). این مشکل اغلب به علت عدم مشورت صورت می گیرد.

● جابه جایی متعدد محصول که به دلیل تعداد زیاد خرده فروشان کوچک اتفاق می افتد، هزینه های توزیع و در نتیجه هزینه های مصرف کنندگان را افزایش می دهد.

● دسترسی محدود به سرمایه گذاری تجاری مانعی برای خرده فروشان در توسعه ی دامنه ی عملکردشان ایجاد می کند.

۳- ۲- ۲. عرضه کنندگان مواد غذایی آماده

عرضه کنندگان مواد غذایی آماده را می توان در دو گروه مدرن (رستوران ها و فروشگاه های مواد غذایی) و سنتی (عاملان فروش در طول خیابان ها، توقفگاه های مرکزی ماشین ها و حومه های فقیرنشین) طبقه بندی کرد. در اکثر شهرها، تقاضا برای غذای آماده به علت تغییر شیوه ی زندگی شهری، به سرعت افزایش یافته است. تغییر شیوه ی زندگی شهری در نتیجه ی نیاز به مسافرت به محل های کار و مدرسه های دورتر، افزایش تعداد زنان شاغل در بیرون از خانه و فقر شهری که باعث متلاشی شدن خانواده ها می شود، به وجود آمده است. تهیه ی مواد غذایی از این منبع به شرایط محلی بستگی دارد. برای مثال ۲۵- ۴۰ درصد هزینه ی غذایی خانواده ها در «بوگوتا» و «کاراکاس» از این طریق پرداخت می شود، اما در «بوئنس آیرس»، تنها ۶ درصد هزینه ی غذایی خانواده ها صرف مواد غذایی آماده می شود. در آفریقا که رستوران ها و فروشگاه های مواد غذایی آماده نسبتاً کم ترند، مصرف مواد غذایی «خیابانی» سریعاً در حال افزایش است.

رعایت مقررات فروشگاه های مواد غذایی آماده، معمولاً به بخش مدرن محدود می شود. رستوران ها و فروشگاه های مدرن مواد غذایی آماده، موظف به پرداخت مالیات های رسمی و پذیرفتن مقررات محیطی، ایمنی و بهداشتی هستند. عرضه کنندگان مواد غذایی خیابانی که اغلب شامل زنان می شود، نامنظم هستند و استانداردهای محیطی، بهداشتی رسمی و ایمنی را به ندرت مراعات می کنند. آن ها بیش تر به فقیران، از جمله آن هایی که در مقابل عدم امنیت مواد غذایی آسیب پذیر هستند (مثل دانش آموزان، کارگران کم درآمد، جوانان بی کار و سالمندان و معلولین)، خدمات ارائه می کنند. فروشندگان خیابانی نقش مهمی در توزیع مواد غذایی بازی می کنند. به هر حال، مصرف کنندگان اغلب در معرض افزایش خطرات بهداشتی مرتبط با مواد غذایی قرار دارند. اگر چه این مسأله ممکن است برای سیاستگذاران، مسأله ای حاشیه ای تلقی شود، اما به دلیل زیاد بودن تعداد جمعیت فقر شهری که به این مشکل مبتلا هستند و در دسترسی به امکانات بهداشتی مشکل دارند، سزاوار توجه است. راهی که در پیش داریم این است که شیوه ی مناسبی برای تهیه ی مواد غذایی خیابانی ترویج کنیم؟





ترویج سازماندهی مدرن یا سنتی، شهرها باید مشوق توسعه‌هایی باشند که هزینه‌ی زندگی را پائین می‌آورند و محرک رشد اشتغال در شهر هستند.

۳-۴. خلاصه‌ای از مشکلات تجارت مواد غذایی و دخالت‌های احتمالی مسؤولان شهر

مسؤولان شهر، هم برای کمک به بهبود شرایط تهیه‌ی مواد غذایی و هم برای افزایش عملکرد توزیع‌کنندگان مواد غذایی شهری، آزادی عمل دارند. مشکلات اصلی سیستم توزیع مواد غذایی شهری همراه با دخالت‌های مسؤولان شهر که می‌تواند برای کاهش آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد، در جدول ۳ خلاصه می‌شود.

۴. خلاصه

این مقاله موضوع بهبود بخشیدن به تهیه و توزیع مواد غذایی را در کشورهای در حال توسعه، به ویژه برای سودرسانی به فقیران بیان کرده است. این موضوع بر شواهدی از گرایش فزاینده‌ی فقیران به شهرنشینی، کشمکش‌های دائمی بین فروشندگان و مسؤولان شهر، بازارهای بدطراحی شده و کشاورزی شهری، تراکم در حال افزایش و جاده‌های نامناسب متکی هستند. اما مطالعه‌ی مشکلات تهیه و توزیع مواد غذایی شهری در مراحل اولیه است و کمبود داده‌ها، مخصوصاً در زمینه‌ی یکپارچه‌سازی تفاوت قیمت‌ها در داخل شهر و بین شهرها مشاهده می‌شود. اگر به علت تنازع بقا بین فروشندگان غیررسمی - که در صورت پائین بودن کیفیت تهیه و توزیع مواد غذایی، منافع بیش‌تری به دست می‌آورند - تفاوتی بین قیمت‌ها وجود داشته باشد، ممکن است چنین مقایسه‌هایی بین قیمت‌ها ضرورت کم‌تری داشته باشد.

مقاله بیان می‌کند که کیفیت تهیه و توزیع مواد غذایی به طور قابل توجهی به کیفیت برنامه‌ریزی و مدیریت مسؤولان شهر وابسته است. اما شواهد قوی‌تری مورد نیاز است تا با کسب تجربه‌ی مناسب در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، کیفیت مواد غذایی و دسترسی به آن بهبود پیدا کند و قیمت‌ها کاهش یابند. اولویت تحقیقاتی دیگر این است که چگونه تهیه و توزیع مواد غذایی را با توسعه‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی مسؤولان شهر هماهنگ کنیم.

زیرنویس

۱. بزرگترین شهرهای چین (از جمله پکن و شانگهای)، رتبه‌ی استانی دارند و اصولاً خودگردان هستند.
۲. مرحله‌ی اول: بازارهایی که در آن‌ها، تولیدکنندگان به تنهایی یا به صورت گروهی به حمل و نقل و فروش می‌پردازند. هیچ‌گونه مداخله‌ی حکومتی، درجه‌بندی و هیچ‌گونه تفاوت روشنی بین نقش دلال و عمده‌فروش وجود ندارد؛ مثل روسیه،

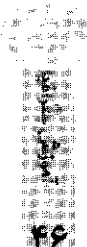
مواد غذایی به عنوان مسأله‌ای مرتبط با مسؤولان شهری^۲، وجود فرض شایع مبنی بر این‌که مواد غذایی یک موضوع ملی است، نه یک موضوع محلی، و این‌که بسیاری از مسؤولان شهرهای در حال توسعه که خرد و ضعیف شده‌اند، حتی از ارائه‌ی خدمات قانونی خود نیز عاجز هستند و صلاحیت و استعداد لازم را برای ترویج ابتکارات سیاست بین‌بخشی ندارند.

۳-۳. اصول راهنما برای بهبود بخشیدن به تهیه و توزیع مواد غذایی کدامند؟

اصل اساسی این است که مسؤولان شهری، دیدگاه شورایی و روشنفکرانه‌ای در مورد کسب اطلاعات در پیش بگیرند. این امر نیازمند کسب مهارت در زمینه‌ی برقراری ارتباط با فروشندگان، دست‌اندرکاران حمل و نقل، قانونگذاران و دولت مرکزی است.

اصل دوم عبارت است از ترویج حس همکاری. این امر ممکن است نیازمند تغییر نگرش آن‌ها از بدگمانی نسبت به تجارت خصوصی مواد غذایی، به طرفداری از رشد تجارت، از جمله تجارت مواد غذایی اصلی باشد. مطالعات انجام شده در طول دو دهه‌ی گذشته نشان می‌دهند که مسؤولان شهرداری ممکن است تحت تأثیر منافع بازرگانی محلی قرار بگیرند. این امر غالباً مانع اتخاذ بازاریابی کارآمد می‌شود. شکستن انحصارات عمده‌فروشی گروهی، از طریق مقررات محدودکننده‌ی شهرداری، گاهی به منظور بهبود خط مشی‌های تهیه‌ی مواد غذایی شهری است. سیاست تهیه و توزیع مواد غذایی باید از طریق نظارت در مجوزها و کاهش مالیات‌ها، مانع حمایت از شرکت‌های بزرگ مقیاس شود. در سال‌های اخیر در شرق و جنوب آفریقا، مقررات حامی کارخانه‌داران، قصابان و تجار بزرگ منسوخ شده است. با ورود تعداد زیادی از کارخانه‌داران و قصابان کوچک مقیاس، اشتغال در زمینه‌ی تهیه و توزیع مواد غذایی افزایش یافته است. همچنین، هزینه‌های پائین‌تر و تنوع بیش‌تر باعث سودرسانی به مصرف‌کنندگان شده است.

اصل سوم این است که از اتخاذ سیاست‌هایی که از طریق روش‌های «مدرنیزه کردن» و «حفظ سنت‌ها» حکم‌فرمایی می‌کنند، جلوگیری شود. در سراسر جهان، شهرها به طور فزاینده‌ای دارای جمعیت مختلط از نظر فرهنگ و ثروت، و سیستم‌های تولید و توزیع هستند؛ به طوری که مدرن و سنتی با هم ترکیب می‌شوند. به این تنوع باید به عنوان یک توانایی نگریسته شود. شرکت‌های بزرگ‌تر موجب ثبات بازار می‌شوند و می‌توانند هزینه‌های اکثر فعالیت‌ها را کاهش دهند. عاملان کوچک، تنوع و دسترسی مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهند. به جای



جدول ۳. مشکلات تاجران مواد غذایی شهری و دخالت‌های احتمالی به وسیله‌ی مسئولان شهر

| | |
|--|--|
| حمل و نقل: شبکه‌ی راه آهن و جاده‌های روستا/شهری نامناسب | تضمین این‌که طرح‌های توسعه‌ی زیرساخت‌های ریلی و جاده‌های روستا/شهری نیازهای تهیه و توزیع مواد غذایی را در نظر می‌گیرند (از طریق بحث‌های سیاسی). |
| فقدان انبار و تسهیلات جابه‌جایی در بازارهای شهری | مکانیابی بازارها در جاهایی که دارای فضای کافی برای انبار و تسهیلات جابه‌جایی برای تخلیه بار و انبار محصول باشند. شاخص‌ها: نسبت فضای پارکینگ به اندازه‌ی بازار و حجم محصول جابه‌جا شده در واحد زمان. |
| هزینه‌های ترابری: سنگینی مالیات بر فروشندگان (مخصوصاً جمع‌آوری کنندگان) | بهینه‌سازی خط‌مشی‌های وضع مالیات بر حمل و نقل کالا توسط مسئولان محلی از طریق بحث‌های سیاسی. |
| رشوه و معطلی در پست‌های بازرسی ایمنی | کمک (از طریق بحث‌های سیاسی) به تقلیل تعداد پست‌های بازرسی و بهبود معیارهای نظم در میان پرسنل امنیتی. |
| فقدان انبارهایی با مدیریت خوب | تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی در زمینه‌ی تسهیلات انبارداری و ذخیره‌سازی از طریق در اختیار گذاشتن مکان‌های خدمات‌رسانی شده. |
| سلامتی/محیط: فقدان کنترل مؤثر کیفیت مواد غذایی | تضمین (از طریق بحث‌های سیاسی)، اصلاح و اجرای دقیق قوانین در مورد کیفیت مواد غذایی و حمایت از مصرف‌کننده، آموزش فروشندگان (مخصوصاً عرضه‌کنندگان مواد غذایی «خیابانی») و مصرف‌کنندگان از طریق دوره‌های آموزشی، و افزایش سطح آگاهی عمومی از طریق رسانه‌های گروهی. |
| شرایط غیربهداشتی و فقدان امنیت در بازارها | تأمین سرپناه اساسی، احداث مسیرهای دفع فاضلاب، تأمین بهداشت، دفع زباله، فراهم آوردن تسهیلات ایمنی در بازارها، تعلیم و تربیت تاجران، و اجرای مقررات محلی در مورد استانداردهای بهداشتی در بازارها. |
| فقدان سرمایه‌ی تجاری | حمایت از ابتکارات برای بهبود تأمین سرمایه برای خرده‌بازرگانان، از طریق بحث‌های سیاسی |

چین و بسیاری از کشورهای آفریقایی.

مرحله‌ی دوم: قوانین بازار از ظهور نقش دلال و عمده‌فروش ناشی می‌شود.

مرحله‌ی سوم: استاندارد کردن و درجه‌بندی عمده‌فروشی در مورد اجناس بیش‌تری

توسعه می‌یابد و نقش بزرگ‌تری را در تشکیل قیمت ایفا می‌کند؛ برای مثال، ژاپن و

هند. مرحله‌ی چهارم: بازارهای عمده‌فروشی برای تسهیل پشتیبانی به حاشیه‌ی

شهر منتقل می‌شوند.

۳. دولت محلی در واکنش به این پیشنهاد که مسئولان شهر باید به مسائل تغذیه

رسیدگی کنند، می‌گوید: «مردم خواهان شهرداری نیستند که به آن‌ها بگوید، چه

باید بخورند.»

منبع

Habitat International 25(2001). PERGAMON-Elsevier. PP.431-446.

